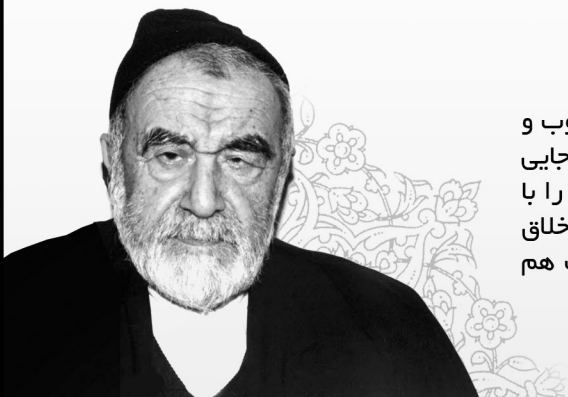


اگر چنین کنی، خواهی دید که نماز و عبادتت هم بزرگ می‌شود!

در دنیا از هر کاری که برای دیگران از دستت بر می‌آید، فروگذار نکن. اقلًا با اخلاق خوب و روی خوش از دیگران احوالپرسی کن. برای دیدار با فقرا به خانه‌شان برو. در هر مرتبه و جایی که هستی، نگاه کردن به زیردست عبادت است. به ایمان هم که رسیدی، زیردست‌هایت را با محبت نصیحت کن. هم از آنچه از دنیا داری، بی‌نظر انفاق کن و هم از آنچه از آخرت و اخلاق پسندیده داری، بی‌نظر بذل و بخشش کن. اگر چنین کنی، خواهی دید که نماز و عبادتت هم بزرگ می‌شود.

[منبع : مرحوم دولابی، کتاب طوبی محبت، ج ۱ ص ۱۳۱]



فروودگاه دل!

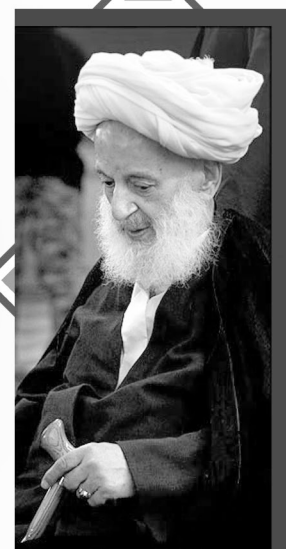
اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ خدایا روزه مرا روزه صائمین قرار بده؛ صائمین چه کسانی هستند؟ سه نوع روزه داریم؛ ۱- روزه عام ۲- روزه خاص ۳- روزه خاص الخاص روزه عام: همان روزه ای است که عموم مردم می‌گیرند؛ نمی‌خورند و نمی‌آشامند، ولی متأسفانه به نامحرم هم نگاه می‌کند؛ گناه هم می‌کند؛ حجابش را هم مراعات نمی‌کند. روزه خاص: روزه ای است که روزه دار علاوه بر اینکه از خوردن و آشامیدن خود داری می‌کند اعضا و جوارحش هم روزه دارد؛ چشمش را هم از معصیت می‌بندد؛ سحر که روزه می‌گیرد نیت می‌کند که خدایا من همه اعضا و جوارحم روزه است؛ گوشم غیبت نمی‌شنود، زبانم غیبت نمی‌کند، و ... این روزه خاص است.

روزه خاص الخاص: این روزه، روزه ای هست که غیر از خدا هیچ چیز دیگری در دل روزه دار نباشد؛

ای یک دله صد دله؛ دل یک دله کن مهر دگران را ز دل خود یله کن

اگر در ماه رمضان همه کارها برای خدا باشد؛ روزه خاص الخاص تحقق می‌یابد و از این رو در دعا از خدا می‌خواهی اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ یعنی خداوندا روزه مرا روزه خاص الخاص قرار بده. باید دل‌های خود را برای خدا خالی کنیم، ملائکه شب احیاء فرود می‌آیند، ولی فروودگاه دلمان را پیدا نمی‌کنند؛ تعلقات به مال، زن، بچه و دنیا جایی برای نزول ملائکه باقی نگذاشته است دل اگر خالی باشد آن وقت «تنزل الملائكة والروح» تحقق می‌یابد و اگر این گونه نباشد ملائکه در شب احیاء بر دل شما فرود نمی‌آیند؛ در ماه رمضان کاری بکنیم که جا برای نزول ملائکه داشته باشیم.

[آیت الله مجتهدی تهرانی(ره) - شرح دعای روز اول رمضان]



به خاطر همین کارهاش بود که بر قلب بچه‌ها حکومت می‌کرد!

داشت از دامنه‌ی کوه پیاده می‌رفت. رفتم جلوی پایش، ماشین را نگه داشتم و گفتم: «آقا مهدی سوار شین». گفت: «بچه‌ها ماشین ندارند، اگه اینا دیر می‌رسن، من هم باید دیر برسم. همه با هم این مسیر رو میریم» گفتم: «هرچی باشه شما فرمانده لشکرین، سوار شین تا زودتر به مقر برسیم.» گفت: «هستم که هستم. خدا کمک می‌کنه و قوت می‌ده، چون می‌خوام توی عملیات از نزدیک با بچه‌ها باشم.

به خاطر همین کارهاش بود که بر قلب بچه‌ها حکومت می‌کرد و اگر به کسی امر و نهی می‌کرد، طرف با جان و دل آن را گوش می‌کرد. به خاطر همین بود که همه راضی بودند که خار در چشمانشان برود، اما گزند ی به آقا مهدی نرسد.

هیچ وقت نمی‌شد که زودتر از بچه‌ها غذا بخورد. سفره اش هم حتی به اندازه‌ی یک سبزی خوردن رنگین تر از نیروهایش نبود. به فرمانده گردان هایش گوشزد می‌کرد: «تا نیروهاتون غذا نخورن خودتون نخورین. این جوری بیشتر به حرف‌های شما اعتماد می‌کنن.» خلاصه این علاقه دو طرفه بود هرچقدر که آقا مهدی جاننش بود و نیروهایش، بچه‌ها هم جانانشان برای آقا مهدی در می‌آمد.

[نمی‌توانست زنده بماند، خاطراتی از سردار شهید مهدی باکری، به کوشش علی اکبری،

چاپ چهارم، نشر یازدهر، ۱۳۹۲، ص ۳۷]



شخصی در ماه رمضان در جایی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه‌های شب محتلم گردید و چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت، برای فرار از روزه، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون اینکه چیزی بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

سوال

اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

جواب